

درآمد به برآمورث

چینش پراپرا



چکیده

این مقاله، ابتدا به جایگاه ادبیات تطبیقی در آموزش دانشگاهی می‌پردازد، سپس کارایی این ادبیات را در ایجاد نگرش‌های جدید در حوزه‌های گوناگون مطرح می‌کند. آموزش دانشگاهی این گرایش نوین و ارزشمند، هر روز به مبانی نظری آموزش تحلیلی آن می‌افزاید و تخصصی‌تر می‌شود، به طوری که تحقق اهداف این آموزش جز با بازنگری مکرر و بازسازی برنامه درسی ممکن نیست. این نوشتار تلاشی است در معرفی مبانی و محورهای اصلی آموزش و فهم ادبیات تطبیقی و همچنین پرورش مهارت‌های مربوط به این رشته که لازم است در محتوای برنامه درسی لحاظ شود.

کلیدواژه‌ها:

آموزش، مهارت، ادبیات تطبیقی، قیاس، تحقیق، انگیزه

دکتر مجید

یوسفی بهزادی

استادیار گروه

فرانسه دانشکده

زبان‌های خارجی

دانشگاه اصفهان

می‌تواند در ادبیات دیگر سرزمین‌ها منتقل شود و آنان را به تقلید وادار کند» (ندا، ۱۳۷۳ ص ۲۶).

بنابراین در حوزه ادبیات تطبیقی آن چه مهم است طرح سؤال‌های بنیادی درباره جایگاه آن در آموزش آکادمیک بوده است. ظهور این گرایش نو که در واقع یکی از شاخه‌های ادبیات نوین به‌شمار می‌رود همواره مورد علاقه و توجه محققان و دانش‌پژوهان بوده است تا جایی که می‌توان آن را پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها دانست. در ابتدا این سؤال مهم که ادبیات تطبیقی را از دیگر رشته‌های «تطبیقی» متمایز می‌کند، پیش روست که ارتباط میان ادبیات همگانی و ادبیات تطبیقی چیست؟ این پرسش می‌تواند منشاء سوء تفاهم‌هایی شود که البته لازم است در رفع آن کوشش به‌عمل آید. ادبیات تطبیقی مجموعه‌ای از متون نیست بلکه چشم‌اندازی است از بررسی و تحقیق درباره ادبیات، در حالی که صفت «همگانی» ظهور برجسته‌ای در مطالعات تاریخ انواع ادبی، سبک نگارش و جریات فکری داشته و در بسیاری از کشورها با صفت تطبیقی پیوند خورده است. در این دیدگاه، ادبیات تطبیقی در معرفی اندیشه‌های نو و کارساز که به فهم روابط معنوی بین‌المللی و روابط فرهنگی منجر می‌شود نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر ادبیات تطبیقی منحصر به تطبیق ادبی و یا حتی انجام عملی «متوازی» نیست، بلکه نقش حیاتی در تثبیت پایه‌های تشکیل دهنده فرهنگ هر جامعه داشته است و به‌خاطر تحقیق پیوندهای قیاسی، قرابت و تأثیر مقایسه ادبیات در رأس علوم قرار دارد و آن را رشته «علم تطبیقی ادبیات» می‌نامند. همراه با پیشرفت و توسعه گسترده علوم انسانی، ادبیات تطبیقی با گرایش‌ها و رویکردها و مباحث جدید و تخصصی وارد این حوزه گردید و آموزش دانشگاهی آن را پیچیده و دارای جنبه‌های گوناگون کرد از جمله می‌توان از سبک‌شناسی تطبیقی و تاریخ‌نگاری تطبیقی نام برد.

مقدمه

محور اصلی آموزش، ادبیات تطبیقی، شناخت کلی ادبیات بیگانه، بررسی نکات مشترک، الهامات و تأثیرات آن بر دیگر ادبیات‌ها می‌باشد. به بیان دیگر در «ادبیات تطبیقی، تلاقی ادبیات در زبان‌های جهان مختلف و روابط پیچیده آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر و تأثر در حوزه‌های هنری، مکاتب ادبی، و جریان‌های فکری، موضوع‌ها و افراد بررسی می‌شود» (کفافی، ۱۳۸۲، ص ۷).

ادبیات تطبیقی بیانگر انتقال ویژگی‌های ادبی از یک ملت به ادبیات دیگر ملل است که در تصاویر و قالب‌های مختلف بیانی مانند قصیده، قطعه، رباعی، مثنوی، قصه، نمایشنامه و مقاله خودنمایی می‌کند، گاهی نیز در حوزه احساسات و عواطف است که از نویسندگانی به نویسندگان دیگر، پیرامون یک موضوع انسانی منتقل می‌شود و او را متأثر می‌سازد. «دیدگاه یک ادیب نیز



مقاله حاضر ضمن آن که اشاره به جنبه‌های ادبیات تطبیقی دارد، قالبی کلی برای مطالعه و آموزش دانشگاهی آن ارائه می‌دهد تا خطوط کلی و رئوس مطالب و اهداف آموزش آن مشخص شود، نخست درباره ادبیات تطبیقی و اهمیت آن مطلب کوتاهی ایراد می‌کنیم و سپس به شرایط کلی آموزش دانشگاهی آن خواهیم رسید.

اهمیت ادبیات تطبیقی

اهمیت ادبیات تطبیقی بدان جهت است که از سرچشمه‌های جریان‌های فکری و هنری ادبیات ملی پرده برمی‌دارد؛ زیرا هر جریان ادبی در آغاز، با «ادبیات جهانی» برخورد دارد و در جهت‌دهی آگاهی انسان کمک می‌کند. البته این اهمیت فقط به بررسی جریان‌های فکری و گونه‌های ادبی و مسائل انسانی در هنر نمی‌پردازد؛ بلکه از تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از ادبیات جهانی سخن به میان می‌آورد. (کفانی، ۱۳۸۲ ص ۷)

از دیگر ویژگی‌های ادبیات تطبیقی، توانایی و مهارت‌های خاصی است که در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد تا او بتواند هر آنچه را که بومی یا اصیل می‌داند از اندیشه و فرهنگ بیگانه تشخیص دهد. مطالعه در ادبیات تطبیقی موجب ایجاد نگرش جدیدی از جهان و الگوی تفکر مردم آن می‌شود و وابستگی‌های فکری و علایق معنوی مردم جهان را به‌طور شفاف نشان می‌دهد. به این طریق ادبیات تطبیقی با توجه به ویژگی‌های فردی و مشخصات نبوغ هر ملت و نکات و اشارات تبدیل‌ناپذیر هر اثری، انشعابات و ارتباط فکری را ممتاز می‌سازد و چگونگی نهضت‌های بزرگ فکری را معلوم می‌کند. از آنجا که شناخت، موجب تفاهم می‌شود و تفاهم، دوستی و عشق را به‌وجود می‌آورد، مطالعه در ادبیات تطبیقی یکی از ممتازترین وسایل تفاهم و صلح بین ملتها است (صفری، ۱۳۵۷ ص ۴).

حوزه‌های مطالعات تطبیقی

حوزه‌های مطالعات تطبیقی عبارت است از:

۱. مطالعه ادبیات شفاهی، شامل بررسی نظریاتی در حوزه گسترده قصه‌ها، افسانه‌ها و حکایات فرهنگی عامه است که به‌طور شفاهی نسل به نسل منتقل شده‌اند.

۲. مطالعه ادبیات مردمی، این ادبیات به بررسی تماس نزدیک با توده مردم می‌پردازد.

۳. ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات کودک و نوجوان امروزه زمینه‌ای است که بیش از پیش مورد توجه تطبیق‌گران است، به‌طوری که می‌توانند چیزهای زیادی را که نوجوانان درباره معرفی بیگانه در سر دارند مکشوف سازند. این خاصیت ادبیات تطبیقی است که نظریات پیشین را به عنوان مباحثی زنده و جالب برای دیدگاه‌های معاصر فراهم سازد.

تفاوت رویکردها

مسلماً مطالعات تطبیقی در روش، رویکرد، علایق و تحقیق با هم متفاوت‌اند. مثلاً ادبیات تطبیقی که عمدتاً به چگونگی شناخت نویسندگان و یا به طرح سؤال‌هایی در خصوص بعضی از فرم‌های ادبی می‌پردازد مدعی است که بررسی موضوعات و مضامین تطبیقی با توجه به علایق و اصول مبانی آن ادبیات انجام می‌شود. دانشجو باید با توجه به پایه‌های اعتقادی فکری و فرهنگی، موضوعات کلی ادبیات تطبیقی را بررسی کند؛ آموزش دانشگاهی ادبیات تطبیقی جز با تبیین دقیق و موشکافانه اصول و پایه‌های این مباحث ادبی ممکن نیست.

ساختار و طرح اجمالی

دامنه مطالب ادبیات تطبیقی، آن هم در خود آموزش و مطالعه به روش دانشگاهی، آن‌قدر وسیع است که آموزش مباحث و

نظریات تطبیقی در دانشگاه به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست و به ناچار باید برخی مباحث آن‌گزینه‌ش شود. این‌گزینه‌ش تحت شرایط و محدودیت‌هایی است که به نوع تطبیقی (غربی یا شرقی)، گرایش و سطح تحصیلی دانشجویان مربوط است. واضح است محتوای برنامه درسی با توجه به این محدودیت‌ها طراحی می‌شود. دانشجویان باید واحد ادبیات تطبیقی را به‌منظور کسب دانش تطبیقی‌گزینه‌ش کنند و مهارت‌های عمومی و اختصاصی آن‌را به‌دست آورند که کلیات آن بدین شرح است:

الف) مبانی نظری آموزش

دانشجویان باید مفاد اصلی موضوعات ذیل را قرار گیرند:

۱. نظریات و تأملات تعدادی از تطبیق‌گران مهم در تاریخ ادبیات
۲. برخی از نظریه‌ها در زمینه بوطیقا، تصویرشناسی، عبارت‌شناسی و سبک‌شناسی
۳. برخی از چشم‌اندازهای تحقیقات تطبیقی؛ پذیرش، تأثیر (تأثیر آلفرد دووینی و پل الوار بر نیما یوشیج، شاتو بریان و مو پاسان بر محمدعلی جمالزاده/ شیخ عطار بر ویکتور هوگو/ حافظ بر گوته/ می‌توان از تأثیرپذیری لویی آراگون شاعر سوررئالیست فرانسه از عبدالرحمان جامی، سعدی و یا حافظ و تأثیر او بر نگرش و اندیشه گوته و امیلی دیکنسون نام برد؛ یا شکسپیر که تقریباً موضوع مهم نمایشنامه‌های خود را از نویسندگان ایتالیایی و اسپانیایی و انگلیسی و گاهی بن‌مایه‌های شرقی گرفته است.

۴. آگاهی از ترجمه‌ها و متون ترجمه‌شده (آداپتاسیون Humaine tragedie et Putois d'Anatole France تحت عنوان برادر یوحنا و قصه رجیعلی توسط جمالزاده/ ترجمه آزاد Le Cafe de Surate de Bernardin de Saint-Pierre با نام جنگ هفتاد و دو ملت توسط محمدعلی جمالزاده/ Tartuffe de Moliere که فروغی آن‌را تحت عنوان میرزا صلاح‌الدین و سیدعلی خان نصر Bourgeois gentilhomme را به اسم جناب خان ترجمه کرده است و...).

– آگاهی از اسطوره‌های ادبی و کاربرد آن در متون

۶. آگاهی از ادبیات بیگانه، ملی و خودی

نحوه آموزش

مسئلاً روش واحدی برای تعلیم ادبیات تطبیقی، به‌گونه‌ای که متناسب با تمام مسائل ادبیات تطبیقی باشد وجود ندارد. اما تطبیق‌گری به‌طور منحصر به فرد با شیوه‌هایی صورت می‌گیرد که عبارت است از:

طرح سؤال درباره ابزارهای کار و نحوه استفاده از آن‌ها، شدت و وحدت بخشیدن به شباهت‌ها و تمایزات، ابداع واژگان جدید،

نقد و تفسیر متون، بررسی موضوعاتی که در تاریخ ادبیات و ادبیات جانبی مطرح شده‌اند، به‌کارگیری شیوه‌های متدولوژی تطبیقی و ارزیابی تحلیل‌هایی که از نتایج مربوط اخذ شده‌اند.

ب) مهارت‌ها

آن‌چه آموزش ادبیات تطبیقی را در هر جامعه ضروری می‌سازد معرفی و شناخت آن در سطح دانشگاه است که به صورت‌های مختلف وجود دارد. بنابراین، دانشجویان ادبیات تطبیقی برای پرداختن به چنین رسالتی باید طیفی از مهارت‌های تطبیقی را کسب نمایند.

این مهارت‌ها دو دسته‌اند: ۱. مهارت‌های تطبیقی ۲. مهارت‌های نگارشی

۱. مهارت‌های تطبیقی

- تشخیص موضوعات زیر بنائی در همه انواع ادبی
- دقت، تفکر و بیان در تحلیل و نظم و نسق بخشیدن به موضوعات پیچیده و قابل بررسی
- حساسیت نسبت به تفسیر متونی که توسط دیگر تطبیق‌گران صورت گرفته است
- ارزیابی دقیق ادله متون
- توانایی در به‌کارگیری اصطلاحات تخصصی ادبیات تطبیقی و نقد آن‌ها
- توانایی تشخیص متون قابل تطبیق و نزدیک به هم
- دانشجوی ادبیات تطبیقی باید بتواند با به‌کارگیری این مهارت‌ها از مرز ابهامات و شبهات عبور کرده و با درک زمینه‌ها و امتیازات گرایش‌های دیگر ادبیات، آموزه‌های ادبی را در آن‌ها پیاده کند و مهارت‌ها و فنون تطبیق را در تحقیقات دانشگاهی به‌کار گیرد؛ به‌طوری که بتواند با استفاده از توانایی این علم به پرسش‌های جدید آن پاسخ دهد.

۲. مهارت‌های نگارشی

- فارغ‌التحصیلان علاوه بر مهارت‌های خاص گرایش تطبیقی، باید با فراگیری مهارت‌های دیگر نیز به مطالعه و تحقیق در علوم انسانی بپردازند، آنان باید یاد بگیرند که:
- با دقت به سخنرانی‌های پیچیده ادبی گوش دهند و چکیده‌نویسی کنند.
- موضوعات متنوع ادبیات جانبی و ادبیات عمومی را به دقت بخوانند و بنویسند.
- توانایی در خلاصه‌نویسی و تحلیل پیدا کند.
- به‌طور کارآمد و مؤثر از کتب آیین نگارش استفاده نمایند.
- بر اهمیت نگارش صحیح، تأمل و دقتی کافی داشته باشند.

- مطالب مهم را به موقع به خاطر بسپارند و در مواقع لازم آن‌ها را بازنویسی کنند.
- در نگارش تحلیلی‌گرانه متون ادبی کوشا باشند.
- ارزیابی روشن و منسجمی از برگه‌نویسی (فیش‌برداری) اطلاعات به صورت مکتوب ارائه کنند.
دانشجویان باید با اجرای برنامه‌هایی در چارچوب فضای آموزش، برای توسعه مهارت‌های ذیل فرصت لازم را داشته باشند.
- جست‌وجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها با استفاده از منابع رایانه‌ای برای دست‌یابی به منابع و کتاب‌شناسی‌ها.
- آشنایی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، پردازش اصطلاحات جدید و روزآمد و بهره‌برداری از شبکه جهانی اینترنت.

ویژگی‌های دانشجوی

درس ادبیات تطبیقی، درسی است کاملاً تحلیلی از این رو تنها کسانی باید به این گرایش بپردازند که از استعداد بالا و ذهنی منسجم و قدرتمند و استوار برخوردار باشند. علاوه بر این، ادبیات‌آموز باید استادی فرهیخته در علم و عمل داشته باشد که با تعلیم و تربیت گفتاری و نوشتاری وی تربیت شود.
بسیاری از علوم را می‌توان بدون استاد فرا گرفت، اما آموختن ادبیات آن‌هم تطبیقی بدون استادی فرهیخته و حکیم در علم و عمل بسیار دشوار است. مطالعه ادبیات تطبیقی باعث پرورش رشد و خصوصیات فردی می‌شود که در زمینه آموزش بسیار اهمیت دارد. این امر باعث تقویت توانایی فارغ‌التحصیلان شده و آنگاه به رشد و پویایی علمی جامعه منجر خواهد شد. در ذیل به ویژگی‌های دانشجوی ادبیات تطبیقی اشاره می‌شود.

- توانایی اجرای تحقیق به‌طور مستقل

- مدیریت کلی زمان بندی در ارائه تکالیف دانشگاهی

- توانایی تفکر خلاق، مستقل جهت پیشبرد اهداف تحصیلی

تعلیم و تعلم

اشکال متنوع تعلیم و تعلم در ادبیات تطبیقی می‌تواند مفید باشد، از جمله:

- درس گفتارهای استادان

- کلاس‌های راهنمایی (که در آن‌ها استاد فقط راهنمایی می‌کند ولی تدریس نمی‌کند)

- سمینارها که در آن‌ها دانشجویان باید به نوبت عناوینی را معرفی کنند

- نگارش رساله‌ای پر مطلب تحت نظارت استاد

روش‌های دیگر

آموزش ادبیات تطبیقی باید فرایندهای فعال داشته باشد. در

این کار دانشجو باید روش‌های ذیل را به کار گیرد:

- خواندن متفکرانه که با فهرست مناسبی از متون شروع می‌شود.

- بحث و گفت‌وگو در کلاس‌های درس، سمینارها یا

همایش‌های ادبی

- انجام تطبیق متون‌های متنوع و کهن در ادبیات

ارزش‌یابی

هدف از ارزش‌یابی در درس ادبیات تطبیقی، آزمودن دو موضوع است:

۱. درک و دانش مجموعه‌ای از مواد درسی

۲. استدلال دقیق، خلاق و مستقل

برای رسیدن به این هدف، بسیاری از روش‌های مستقل و تلفیقی را می‌توان به کار گرفت که مهم‌ترین آن‌ها چنین است:

- برگزاری امتحانات میان ترم و پایان ترم

- مقالات ارزیابی شده

- نمونه‌هایی از تکالیف پایان ترم

- نقد مقالات چاپ شده

- رساله‌ها

- ارزیابی مستمر از عملکرد دانشجویان در ارائه مقاله شفایی و

نیز بر پای‌نشست‌های ادبی، از سخنرانی‌های سمیناری گرفته

تا امتحانات کتبی رسمی

نتیجه‌گیری

معیار موفقیت دانشجوی، بازتابی است از علم و درک او از محتوای ادبیات تطبیقی و روش‌ها و شیوه‌های متنوع آن. که هدف از موارد فوق توجه دادن طراحان و کارشناسان آموزشی به مبانی و اصول کلی رئوس مسائل مورد نیاز در طراحی برنامه‌ریزی رشته و با واحد درس ادبیات تطبیقی است تا شاید افق تازه‌ای برای بازنگری در سر فصل و ورود به مباحث جدید ادبی گشوده شود. همچنین مدرسان ادبیات تطبیقی بتوانند برای نیل به اهداف آموزش که مهم‌ترین آن پرورش متفکرانی قابل و برخوردار از ذهن پرسش‌گر، خلاق و نقاد و آگاه به معضلات جامعه علمی است بهره‌مند شوند و متخصصان اهل فن امروز ادبیات بتوانند مشکلات فرهنگی و بومی و غیربومی این مرز و بوم را حل کنند.

منابع

۱. ابو شول، ادبیات تطبیقی، مترجم: طهمورث ساجدی، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۲. ام. اف. گویند، ادبیات تطبیقی، مترجم: علی‌اکبر خان محمدی، پازنگ، ۱۳۷۴.
۳. سیدعلی‌اکبر معزی، تحقیق در ادبیات تطبیقی اروپا، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۴۹.